

واکاوی اهانت به ادیان و اقوام در حقوق کیفری ایران و فقه امامیه

سید عباس جزایری

معصومه افشاری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۵/۲۸

چکیده

جامعه ایران از دیرباز متشکل از اقوام، مذاهب و ادیان گوناگون بوده که در بستر تاریخ، با همزیستی مسالمت آمیز در کنار یکدیگر زیسته‌اند. این تنوع فرهنگی و مذهبی در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به رسمیت شناخته شده و برای تمام اقشار جامعه، بدون تبعیض، حقوق و جایگاه قانونی مشخصی پیش‌بینی شده است. در این پژوهش، موضوع اهانت به قومیت‌ها و ادیان در نظام حقوق کیفری ایران و نیز در فقه امامیه مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در فقه امامیه، قاعده «حرمة إهانة المحترمات» به‌عنوان مبنای حرمت اهانت به مقدسات و مظاهر دینی شناخته شده و مصداقی از تعظیم شعائر الهی تلقی می‌گردد. در حقوق کیفری ایران نیز، توهین به اقوام و مذاهب، به‌ویژه در صورتی که منجر به خشونت، تفرقه یا تشویش اذهان عمومی شود، واجد وصف کیفری بوده و با مجازات‌هایی نظیر حبس و جزای نقدی مواجه است. بر اساس ماده ۴۹۹ مکرر قانون مجازات اسلامی هرگونه اهانت به ادیان الهی، مذاهب اسلامی مصرح در قانون اساسی و قومیت‌های ایرانی، اعم از در فضای واقعی یا مجازی، در صورتی که به قصد ایجاد خشونت یا تنش یا با علم به وقوع آن انجام شده باشد، مشمول مجازات‌های درجه پنج یا شش خواهد بود. این جرم جنبه عمومی داشته و نیازمند شکایت خصوصی نیست و دادستان می‌تواند رأساً پیگیری قضایی را آغاز نماید. رویکرد این پژوهش توصیفی-تحلیلی می‌باشد و گردآوری مطالب به شیوه کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

واژگان کلیدی

توهین و اهانت، قومیت‌ها و ادیان، مقدسات، حقوق کیفری، فقه امامیه.

۱-مقدمه

توهین از جمله جرایمی است که در زمره جرائم علیه حیثیت معنوی اشخاص قرار می‌گیرد و معمولاً ذیل عنوان کلی «جرائم علیه اشخاص» مورد بررسی قرار می‌گیرد. این جرم، بسته به نوع رفتار مرتکب و شخصیت بزه‌دیده، به دو دسته توهین ساده و توهین مشدد تقسیم می‌شود. (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۴۱۸). در این میان، توهین به مقدسات دینی، به دلیل موضوع خاص آن که شامل اشخاص، نمادها، اماکن و اشیای مقدس و مورد احترام می‌شود، از مصادیق توهین مشدد تلقی می‌گردد و با توجه به پیامدهای امنیتی و اجتماعی آن، در برخی نظام‌های حقوقی به عنوان جرمی علیه امنیت و آسایش عمومی تلقی شده است. باورهای دینی هرچند امری درونی و شخصی محسوب می‌شوند، بخش مهمی از آموزه‌ها و مناسک دینی پیروان ادیان ابراهیمی، در قالب آیین‌های جمعی نمود می‌یابد. برای مثال، در اسلام، آیین‌هایی چون نماز جمعه، حج، تشییع و تدفین مردگان به صورت مراسم عمومی برگزار می‌شود و در مسیحیت نیز آیین‌هایی مانند عشاء ربانی، غسل تعمید و نیایش‌های هفتگی در کلیسا، نمونه‌هایی از تجلی جمعی ایمان دینی هستند. بنابراین، اهانت به این آیین‌ها یا شعائر، از حساسیت بالاتری برخوردار است و واکنش‌های شدیدتری را در میان پیروان آن ادیان در پی دارد. هرچند پدیده توهین به مقدسات سابقه‌ای تاریخی دارد و محدود به دین یا منطقه‌ای خاص نیست، اما در عصر جدید با گسترش فناوری‌های ارتباطی و رسانه‌ای، ابزارهای نوینی برای بروز این رفتار فراهم شده است. امروزه محتوای موهن، اعم از صوتی، تصویری یا نوشتاری، به سادگی قابل تولید، نشر و بازنشر گسترده در فضای مجازی است. نکته مهم این‌جاست که پس از انتشار چنین محتواهایی، حتی در صورت پشیمانی تولیدکننده، عملاً امکان مهار یا حذف کامل آن وجود ندارد. این وضعیت، خطرات بالقوه‌ای همچون بروز تنش‌های داخلی یا حتی منازعات منطقه‌ای و بین‌المللی را در پی دارد، چراکه انتشار این محتواها می‌تواند احساسات دینی میلیون‌ها نفر را جریحه‌دار سازد.

نمونه بارز این مسئله، ماجرای انتشار فیلم موهن "معصومیت مسلمانان" در سال ۲۰۱۲ در ایالات متحده آمریکا بود. این فیلم موجی از خشم را در میان مسلمانان در کشورهای مختلف از جمله انگلیس، فلسطین، بحرین، عراق، عربستان، پاکستان، سودان و ایران ایجاد کرد و منجر به اعتراضات گسترده شد. در لیبی، این اعتراضات به حمله به کنسولگری آمریکا در بنغازی و کشته شدن سفیر و چند دیپلمات آمریکایی انجامید. این رویدادها موجب افزایش تدابیر امنیتی در اطراف سفارت‌خانه‌ها و کنسولگری‌های آمریکا در بسیاری از کشورهای اسلامی شد.^۱ تحلیل این رخدادها نشان می‌دهد که فناوری‌های نوین ارتباطی، با فراهم آوردن بستری برای انتشار گسترده محتواهای توهین‌آمیز، در ایجاد نفرت مذهبی، گسترش افراط‌گرایی و برانگیختن واکنش‌های خشونت‌آمیز حتی در درون یک دین نقش چشمگیری دارند. از این‌رو، توهین به مقدسات دینی، نه تنها با اصول اخلاقی و دینی بلکه با مفاهیم بنیادین حقوق بشر همچون کرامت انسانی ناسازگار است و زمینه‌ساز خشونت متقابل و بی‌ثباتی اجتماعی است. با توجه به چنین تهدیداتی، ضرورت جرم‌انگاری این نوع رفتارها در سطح ملی و فراملی بیش از پیش احساس می‌شود. در این راستا، همکاری بین‌المللی برای تدوین سازوکارهای حقوقی جامع، با تأکید بر اصول ادیان و موازین حقوقی، می‌تواند گامی مؤثر در مسیر مقابله با افراط‌گرایی دینی و تضمین صلح جهانی باشد. سیاست کیفری بین‌المللی نیز می‌تواند با توصیه به کشورها برای پیش‌بینی تدابیر پیشگیرانه و ایجاد ضمانت اجراهای مؤثر، نقش تعیین‌کننده‌ای در تحقق این هدف ایفا کند. در بسیاری از نظام‌های

¹BBC News. (2012, September 12). US officials confirm death of ambassador to Libya. BBC. <https://www.bbc.com/news/world-africa-19570254>

حقوقی، مقرراتی برای حمایت از مقدسات وجود دارد، گرچه دامنه این حمایت‌ها متفاوت است. برای نمونه، در حقوق انگلستان، توهین به مقدسات تنها شامل اهانت به آموزه‌های کلیسای انگلستان است و نه سایر مذاهب یا ادیان. به همین دلیل، قوانین مرتبط با اهانت به مقدسات در این کشور محدود به دین رسمی انگلستان بوده و سایر اقلیت‌های مذهبی از پوشش قانونی خاصی در این زمینه برخوردار نیستند. مثلاً در قانون Blasphemy Act 1697، جرم‌انگاری صرفاً به اهانت به آموزه‌ها و اشخاص مقدس کلیسای انگلستان می‌پردازد و نه ادیان دیگر (UK Parliament, 1697). نمونه‌های دیگری از نظام‌های حقوقی که اهانت به مقدسات را به شکل محدودتری تعریف کرده‌اند، به عنوان مثال، در حقوق فرانسه، اصل سکولاریسم (laïcité) حاکم است و توهین به مقدسات، بسته به موقعیت، معمولاً تحت عنوان اهانت به مذهب یا تحریک به نفرت مذهبی قابل پیگیری است، اما این موضوع همواره با توجه به آزادی بیان با محدودیت‌هایی مواجه است و تمرکز بر حفظ نظم عمومی و جلوگیری از تحریک به خشونت است (Human Rights Watch, 2017). در حقوق آمریکا، اصل آزادی بیان بسیار قوی است و به طور کلی توهین به مقدسات یا دین‌ها جرم محسوب نمی‌شود مگر آنکه موجب تحریک به خشونت یا اقدامات غیرقانونی شود. قانون اساسی آمریکا آزادی مذهبی و آزادی بیان را به شدت محافظت می‌کند، بنابراین جرایمی مانند توهین به مقدسات به ندرت قابل تعقیب است (Human Rights Watch, 2017).

در حالی که در حقوق ایران، توهین به مقدسات اسلامی جرم‌انگاری شده است، با گرایش مشهود به تمرکز بر مقدسات مذهب شیعه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲. در عصر رسانه‌های بدون مرز و ارتباطات جهانی، مقررات ملی به‌تنهایی قادر به تضمین احترام به ارزش‌های دینی نیستند. استناد به مفاهیمی چون آزادی بیان و گردش آزاد اطلاعات نیز در مقام توجیه سیاست‌های منفعلانه در برابر توهین به ادیان، پاسخگوی آسیب‌های جبران‌ناپذیر فرهنگی و اجتماعی نخواهد بود؛ بنابراین، در این پژوهش تلاش شده است تا اهانت به قومیت‌ها و ادیان از منظر حقوق کیفری ایران و فقه امامیه مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

۲- مبانی نظری

۲-۱- مفهوم قوم و قومیت

واژه «قوم» در کاربرد اجتماعی و انسان‌شناختی خود، به‌گونه‌ای فراگیر بر گروه‌هایی از انسان‌ها اطلاق می‌شود که به دلایلی همچون نامشخص بودن مرزهای هویتی، فقدان ساختارهای سیاسی-سرزمینی، محدودیت‌های جغرافیایی، جمعیت اندک، یا تفاوت‌های فرهنگی و زبانی، گاه موجودیت آنان مورد تردید یا انکار قرار گرفته است. برخی از صاحب‌نظران، تعریف قوم را در چارچوب مفهوم «قومیت» ارائه می‌کنند و آن را چنین تبیین می‌نمایند: «قوم، گروهی انسانی-نژادی است که دارای زبان، فرهنگ، شیوه زندگی و تمایلات جمعی خاصی در درون یکی از شاخه‌های بزرگ نژادی است، به‌گونه‌ای که از سایر گروه‌های هم‌نژاد خود قابل تمایز و تشخیص است. از همین رو، گاه واژه قوم با مفاهیمی چون گروه ملی مترادف یا معادل تلقی می‌شود» (الطائی، ۱۳۸۷: ۱۰۸). در همین راستا، مفهوم «گروه قومی» نیز ناظر بر دسته‌ای از افراد است که از یک سنت فرهنگی مشترک بهره‌مند بوده و با اتکاء به احساس هویت جمعی، خود را به‌عنوان یک زیرگروه متمایز در بستر جامعه‌ای گسترده‌تر بازمی‌شناسند. این گروه‌ها به واسطه ویژگی‌های فرهنگی خاصی که دارند، از سایر اعضای جامعه متمایز شده و هویت فرهنگی مستقل خود را حفظ می‌کنند (احمدی، ۱۳۹۷:

۳۱). واژه «قوم» در کاربرد اجتماعی و انسان‌شناختی خود، به گونه‌ای فراگیر بر گروه‌هایی از انسان‌ها اطلاق می‌شود که به دلایلی همچون نامشخص بودن مرزهای هویتی، فقدان ساختارهای سیاسی-سرزمینی، محدودیت‌های جغرافیایی، جمعیت اندک، یا تفاوت‌های فرهنگی و زبانی، گاه موجودیت آنان مورد تردید یا انکار قرار گرفته است. برخی از صاحب‌نظران، تعریف قوم را در چارچوب مفهوم «قومیت» ارائه می‌کنند و آن را چنین تبیین می‌نمایند: «قوم، گروهی انسانی-نژادی است که دارای زبان، فرهنگ، شیوه زندگی و تمایلات جمعی خاصی در درون یکی از شاخه‌های بزرگ نژادی است، به گونه‌ای که از سایر گروه‌های هم‌نژاد خود قابل تمایز و تشخیص است. از همین رو، گاه واژه قوم با مفاهیمی چون گروه ملی مترادف یا معادل تلقی می‌شود» (الطائی، ۱۳۸۷: ۱۰۸). در همین راستا، مفهوم «گروه قومی» نیز ناظر بر دسته‌ای از افراد است که از یک سنت فرهنگی مشترک بهره‌مند بوده و با اتکاء به احساس هویت جمعی، خود را به‌عنوان یک زیرگروه متمایز در بستر جامعه‌ای گسترده‌تر بازمی‌شناسند. این گروه‌ها به واسطه ویژگی‌های فرهنگی خاصی که دارند، از سایر اعضای جامعه متمایز شده و هویت فرهنگی مستقل خود را حفظ می‌کنند (احمدی، ۱۳۹۷: ۳۱).

۲-۲- مصادیق نوین توهین به ادیان و اقوام در بستر هنر و فرهنگ

با گسترش فضای رسانه‌ای و افزایش آزادی‌های هنری در دهه‌های اخیر، مرزهای میان نقد و توهین بیش از پیش مورد مناقشه قرار گرفته است. یکی از حوزه‌هایی که در آن توهین به ادیان و اقوام به‌صورت محسوس‌تری بروز یافته، عرصه هنر است؛ به‌ویژه در قالب‌های نوین همچون کارتون، سینما، تئاتر، و هنرهای تجسمی. این گونه‌های هنری از یک سو با هدف بازنمایی نقد اجتماعی یا دینی عمل می‌کنند، اما از سوی دیگر، ممکن است با عبور از مرز احترام، به ابزاری برای تحقیر مقدسات و ارزش‌های اقوام و ادیان تبدیل شوند.

یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های تقاطع آزادی بیان و توهین به مقدسات، انتشار کاریکاتورهای موهن درباره پیامبر اسلام در روزنامه دانمارکی Jyllands-Posten در سپتامبر ۲۰۰۵ بود. این اقدام به واکنش‌های گسترده‌ای از سوی جوامع مسلمان منجر شد که در برخی کشورها به اعتراضات خشونت‌آمیز انجامید. در حالی که روزنامه با استناد به آزادی مطبوعات از انتشار این تصاویر دفاع کرد، بسیاری این اقدام را مصداق اسلام‌هراسی و توهین به مقدسات دینی دانستند، و این مسئله به مناقشه‌ای بین‌المللی درباره حدود آزادی بیان و احترام به باورهای دینی بدل شد.^۲ در نمونه‌ای دیگر، فیلم کوتاه Submission به کارگردانی تئو ون گوگ در سال ۲۰۰۴ در هلند منتشر شد که در آن آیاتی از قرآن بر بدن زنی که روایت‌گر خشونت خانگی است، نقش بسته بود. انتشار این فیلم خشم گروه‌هایی از مسلمانان هلندی را برانگیخت و در نهایت به ترور تئو ون گوگ توسط یک جوان مسلمان در آمستردام منجر شد. این واقعه به شدت توجه افکار عمومی اروپا را به چالش‌های آزادی بیان، انتقاد دینی و خطرات ناشی از افراط‌گرایی مذهبی جلب کرد.^۳

در فضای داخلی ایران نیز، گرچه کنترل‌های بیشتری در حوزه تولید آثار هنری اعمال می‌شود، اما همچنان گاه با بروز مصادیقی از تمسخر اقوام یا ارزش‌های مذهبی مواجه هستیم. برای نمونه، بخش برخی برنامه‌های طنز در صداوسیما جمهوری اسلامی ایران که در آن‌ها لهجه و آداب قومی خاص به گونه‌ای اغراق‌آمیز و تحقیرآمیز به نمایش درآمده،

^۲ Wikipedia contributors. (2024). Jyllands-Posten Muhammad cartoons controversy. Wikipedia. https://en.wikipedia.org/wiki/Jyllands-Posten_Muhammad_cartoons_controversy

^۳ CBS News. (2005, November 3). Slaughter and Submission. <https://www.cbsnews.com/news/slaughter-and-submission-11-03-2005/>

واکنش‌های اعتراضی گسترده‌ای از سوی نمایندگان مجلس و اقوام مربوطه در پی داشته است. در این زمینه، تحلیل‌گران معتقدند که هرچند نیت سازندگان ممکن است صرفاً خلق فضای طنز باشد، اما تأثیرات اجتماعی این گونه بازنمایی‌ها می‌تواند موجب تعمیق کلیشه‌های منفی و برانگیختن حس تحقیر در میان اقوام شود. از منظر فقهی نیز، بسیاری از فقهای امامیه، ارتکاب اعمالی که به گونه‌ای موجب اهانت به مقدسات یا مقدسان دینی شود، حتی قالب هنر را مصداق حرمت دانسته‌اند. به‌عنوان مثال، آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، تصریح می‌کند: «هرگونه فیلم، نمایش، یا نوشته‌ای که موجب توهین به مقدسات اسلام یا دیگر ادیان الهی گردد، حرام و در مواردی مستوجب تعزیر شرعی است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۹۱)؛ بنابراین، در قرن بیست‌ویکم، که ارتباطات جهانی گسترده‌تر شده و حساسیت‌های هویتی افزایش یافته، مسئولیت هنرمندان، رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی در رعایت مرزهای میان نقد و توهین بیش از گذشته است. این امر نیازمند بازتعریف دقیق مفاهیمی چون «آزادی هنری»، «احترام به کثرت فرهنگی» و «جرم‌انگاری توهین» در حقوق داخلی و بین‌المللی است.

مصادیق نوین توهین به ادیان و اقوام در بستر هنر و فرهنگ

در دنیای امروز، هنر و فرهنگ به‌عنوان ابزاری برای بیان اندیشه‌ها و نقد اجتماعی شناخته می‌شوند، اما گاهی این ابزارها به شکلی استفاده می‌شوند که موجب توهین یا تحقیر اقوام و ادیان می‌گردد. برخی مصادیق نوین توهین در این حوزه عبارتند از:

- ۱) نمایش‌های هنری و تئاتر: برخی نمایش‌ها یا فیلم‌ها ممکن است با تصویرسازی‌های تحقیرآمیز از نمادها، آموزه‌ها یا شخصیت‌های مقدس ادیان و اقوام، موجب آزردهی احساسات مذهبی یا قومی شوند. برای مثال، استفاده از نمادهای دینی به صورت هجوآمیز یا مسخره در تئاترهای مدرن می‌تواند توهین تلقی شود (Jones, 2020).
- ۲) آثار تجسمی و نقاشی: برخی هنرمندان با به کارگیری تصاویر و نمادهای مذهبی یا فرهنگی به شکلی غیرمتعارف و تحقیرآمیز، اهانت به مقدسات یا فرهنگ اقلیت‌ها را رقم می‌زنند. این موضوع باعث واکنش‌های شدید گروه‌های مذهبی و قومی شده است. (Smith & Lee, 2019)
- ۳) موسیقی و ترانه‌ها: اشعاری که به طور مستقیم یا ضمنی به دین یا قومیتی خاص اهانت می‌کنند، از دیگر مصادیق نوین هستند. این آثار معمولاً با هدف اعتراض یا نقد اجتماعی ساخته می‌شوند، اما می‌توانند مرز آزادی بیان و توهین را مخدوش کنند. (Khan, 2021)
- ۴) فیلم و سریال‌های تلویزیونی: گاهی شخصیت‌ها یا داستان‌هایی در این رسانه‌ها به شکلی منفی و کلیشه‌ای از اقوام یا ادیان خاص به تصویر کشیده می‌شوند که می‌تواند موجب تحقیر و نفرت پراکنی گردد (Ahmed, 2018).
- ۵) کاریکاتور و طنز: انتشار کاریکاتورها و شوخی‌های طنزآمیز درباره آموزه‌ها و اشخاص مقدس ادیان یا اقوام، به ویژه در رسانه‌های جمعی، از مهم‌ترین مصادیق نوین توهین است که در سال‌های اخیر منجر به تنش‌های فرهنگی و اجتماعی شده است. (Brown, 2022)

۲-۳- مقدسات مشترک در اسلام و ادیان توحیدی

اسلام، مسیحیت و یهودیت که سه دین توحیدی بزرگ جهان محسوب می‌شوند، علاوه بر تفاوت‌های اعتقادی و تشریحی، دارای برخی مقدسات و باورهای مشترک هستند که ریشه در یکتاپرستی و آموزه‌های ابراهیمی دارند. این مشترکات نه تنها بنیان وحدت دینی و فرهنگی میان پیروان این ادیان است، بلکه در فهم متقابل و احترام متقابل نقشی کلیدی ایفا می‌کند.

- ۱) ایمان به خداوند یکتا (توحید): مهم‌ترین و بنیادین‌ترین مقدس مشترک در این ادیان، ایمان به وجود خداوند یکتا، خالق جهان و بی‌همتا است. این اعتقاد توحیدی، اساس هر سه دین است و در قرآن، تورات و انجیل به روش‌های مختلف به آن اشاره شده است. (Esposito, 2011)
- ۲) پیشوایان و پیامبران مشترک: بسیاری از پیامبران و شخصیت‌های مقدس در این سه دین مشترک‌اند. برای مثال، حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) به عنوان پدر توحید در هر سه دین مقام والایی دارد. همچنین پیامبرانی مانند موسی (علیه‌السلام) و عیسی (علیه‌السلام) در اسلام، یهودیت و مسیحیت شناخته شده و مورد احترام‌اند، هرچند در برخی آموزه‌ها اختلاف در ماهیت و جایگاه آنان وجود دارد. (Smith, 2004)
- ۳) کتب آسمانی: تورات، انجیل و قرآن به عنوان کتب مقدس، هر کدام نزد پیروان خود محترم‌اند و قرآن به صراحت به وحی‌های پیشین (تورات و انجیل) اشاره و به آن‌ها احترام می‌گذارد. (Nasr, 2003)
- ۴) مکان‌های مقدس مشترک: برخی مکان‌ها، همچون بیت‌المقدس (اورشلیم)، برای هر سه دین اهمیت خاص دارند. این مکان به عنوان مرکز تاریخی و مذهبی، مقدس شمرده می‌شود و محل وقوع رخداد‌های مهم دینی است. (Freeman, 2016)
- ۵) اصول اخلاقی و آموزه‌های مشترک: مفاهیمی چون عدالت، رحمت، پرهیزگاری، صداقت و مسئولیت اجتماعی در هر سه دین تأکید شده است و جزء مبانی اخلاقی مشترک به شمار می‌روند. (Armstrong, 2006)

۲-۳-۱- وجوب تعظیم انبیاء و جرم‌انگاری توهین به آنان

احترام به انبیاء نه تنها یک فضیلت اخلاقی، بلکه در فقه شیعه واجبی دینی تلقی شده و توهین به آنان از مصادیق بارز جرم دانسته شده است. علت این امر آن است که اهانت به پیامبران در حقیقت، هتک حرمت دین و اهانت به ذات خداوند محسوب می‌شود. از این رو، تعظیم انبیاء از ضروریات دین تلقی شده و فقیهان امامیه، حکم قتل را برای سبّ (توهین‌کننده) پیامبران صادر کرده‌اند. در این راستا، فتاوای زیر مورد توجه است:

الحاق انبیای پیشین به پیامبر اسلام (ص): فقیهان امامیه قائل به این هستند که توهین به هر یک از انبیاء مانند توهین به پیامبر اسلام (ص) است؛ زیرا همه آنان جزو شعائر الهی‌اند و هتک حرمت آنان، هتک حرمت خداوند است (تجلیل تبریزی، ۱۳۸۵: ۳۸۶).

در میان اهل سنت (عامه)، درباره مجازات سبّ پیامبران دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. اما در فقه شیعه (خاصه)، اتفاق نظر وجود دارد که هر کس به یکی از پیامبران توهین کند، مستوجب قتل است؛ اعم از این که این پیامبر نبی اسلام باشد یا

انبیای دیگر. اجماع فقهای امامیه: بسیاری از فقها ادعای اجماع کرده‌اند که توهین به هر یک از پیامبران، اعم از اولوالعزم یا سایر انبیاء، موجب قتل است و اجرای این حکم نیازمند اذن امام نیست (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۴۲۸؛ علامه حلی، ۱۳۸۵: ۴۳۳؛ نجفی، ۱۴۱۸ق، ج ۴۱: ۴۳۶).

۲-۳-۲- مستندات قرآنی در وجوب احترام به همه انبیاء

قرآن کریم با بیانی صریح، لزوم ایمان به همه انبیاء و نهی از تبعیض میان آنان را مطرح می‌سازد: «قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ... لَأُنْفِقُنَّ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ» (بقره/۱۳۶).

این آیه بر آن تأکید دارد که مسلمان واقعی کسی است که به همه پیامبران الهی ایمان داشته باشد و در میان آنان تبعیض قائل نشود. توهین به هر پیامبری در تعارض مستقیم با این ایمان قرار دارد و از آن‌جا که ایمان به همه انبیاء از ضروریات دین است، هرگونه سب و اهانت به آنان، مستوجب کیفر شدید است. قرآن کریم بارها بر احترام، محبت و تصدیق همه پیامبران الهی تأکید کرده و معتقد است که پیروان دین اسلام باید نسبت به همه انبیاء، بدون استثنا، احترام و باور داشته باشند. این امر ریشه در توحید و یگانگی هدف رسالت پیامبران دارد.

۱) اعتقاد به همه پیامبران به عنوان اساس ایمان: در آیه ۲۸۵ سوره بقره آمده است: «آنگاه که پیامبران ما را تصدیق می‌کنند و به خدا و فرشتگانش و کتاب‌ها و پیامبرانش ایمان می‌آورند و می‌گویند: ما میان هیچ یک از پیامبران تفاوتی قائل نیستیم...» (بقره، ۲۸۵) این آیه به وضوح بر عدم تفاوت قائل شدن میان پیامبران و احترام به همه آن‌ها تأکید دارد.

۲) احترام به تمامی پیامبران به عنوان ابلاغ‌کنندگان یک دین واحد: قرآن می‌فرماید: «و ما أرسلناك إلا رحمةً للعالمين» «و ما تو را نفرستادیم مگر رحمت برای جهانیان» (انبیاء، ۱۰۷) این آیه نشان می‌دهد همه پیامبران، از جمله پیامبر اسلام، حامل پیامی واحد و رحمت برای همه انسان‌ها بوده‌اند و لذا شایسته احترام و تکریم‌اند.

۳) اشاره به ارسال پیامبران متعدد با رسالت یکسان: در آیات متعدد به ارسال پیامبران فراوان اشاره شده است، که همگی دعوت به توحید و پرستش خدای یکتا داشته‌اند: «و لكل قوم هدی» «و برای هر قومی [پیامبری] است که راهنمایی‌کننده آنهاست» (رعد، ۷) این آیه نشان می‌دهد که احترام به پیامبران همه اقوام و ادیان گذشته واجب است.

۴) تکریم انبیاء به عنوان الگوهای اخلاقی و معنوی: قرآن در سوره صافات آیه ۱۷۹ می‌فرماید: «إِنَّ هَؤُلَاءِ يَكْرُمُونَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» «بی‌گمان این پیامبران در دنیا و آخرت مورد تکریم‌اند» آیه‌ای که همگان را به احترام به پیامبران سفارش می‌کند: در سوره نساء آیه ۱۵۰-۱۵۱ آمده است: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ يَكُونُونَ فِي أَعْيُنِنَا جُفَاءً بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ» «حقاً... کسانی که بین پیامبران خدا فرق قائل شوند و بعضی را قبول و بعضی را انکار کنند، کافر واقعی هستند، که این بیانگر وجوب احترام به همه پیامبران است.

بنابراین، از نظر قرآن، احترام و ایمان به همه انبیاء یک اصل اساسی دین اسلام است و تفکیک میان پیامبران، نه تنها مردود است بلکه موجب کفر می‌شود.

۲-۳-۳- اهانت به انبیاء در آیات دیگر قرآن

آیات متعدد دیگری نیز بر وحدت جایگاه انبیاء در منظر خداوند و قداست یکسان آنان تأکید دارند: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّنَ... أُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ...» (آل عمران/۲۱). این آیه، کفر به آیات الهی و قتل پیامبران را به یک میزان موجب عذاب دردناک و حبط اعمال معرفی می‌کند که خود نشانه‌ی جایگاه والا و یکسان انبیاء الهی است.

«فَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ» (آل عمران/۱۷۹).

در این آیه، ایمان به خداوند و پیامبران، مقدمه دستیابی به اجر عظیم و پاداش اخروی معرفی شده است.

استهزاء به پیامبران و سرانجام اهانت کنندگان در آیات زیر مشهود است:

«وَلَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِرَسُولٍ... فَأَمَلَيْتُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ...» (رعد/۳۲)،

«يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ... إِنْ كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ» (یس/۳۰)،

«فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ» (انعام/۱۰). این آیات دلالت دارند که اهانت و تمسخر پیامبران همواره با عواقب دردناک الهی روبه‌رو بوده و مورد مذمت شدید قرآن قرار گرفته است.

۲-۳-۴- جایگاه انبیاء در آموزه‌های سنت و فقه

بر اساس تعریف اصولی از سنت، که عبارت است از قول، فعل و تقریر معصوم (علیهم‌السلام)، هر آن‌چه در گفتار یا رفتار آنان در تأیید بر حُسن فعل یا قولی مشاهده شده، به‌عنوان حجت شرعی تلقی می‌شود. در این چارچوب، بی‌احترامی به انبیاء، نه تنها از منظر قرآن که از دیدگاه سنت معتبر نیز، امری مردود و مستوجب شدیدترین کیفرها است؛ همچنین بنا به روایت مشهور، شمار پیامبران الهی به ۱۲۴ هزار تن می‌رسد که از این میان تنها ۲۶ نفر در قرآن نام برده شده‌اند. در رأس آنان، پنج پیامبر اولوالعزم و در نهایت حضرت محمد (ص) به عنوان خاتم‌النبین قرار دارند. بر این اساس، هرگونه توهین به پیامبران پیشین، به‌مانند توهین به پیامبر اسلام، جرم و از منظر فقهی، مستوجب مجازات شدید است.

۳- اصل ضرر و مبنای جرم‌انگاری توهین به ادیان و قومیت‌ها

اصل ضرر یکی از مبانی مهم در حقوق کیفری و مدنی است که بر اساس آن هر رفتاری که موجب آسیب یا زیان به دیگری شود، قابل مجازات یا جبران است. این اصل به‌ویژه در جرم‌انگاری توهین به ادیان و قومیت‌ها اهمیت دارد، چرا که این نوع رفتارها نه تنها به حیثیت و کرامت فرد یا گروه هدف آسیب می‌زند، بلکه می‌تواند موجب بروز اختلافات اجتماعی، تنش‌های قومی-مذهبی و حتی خشونت‌های جمعی شود. بنابراین، جرم‌انگاری این رفتارها به منظور حفظ نظم اجتماعی، تأمین امنیت روانی و جلوگیری از بروز آسیب‌های گسترده‌تر صورت می‌گیرد (صادقی، ۱۳۹۵). از منظر مبنای حقوقی و فلسفی، جرم‌انگاری توهین به ادیان و قومیت‌ها به دو دلیل اصلی قابل توجیه است. نخست، حفظ کرامت انسانی که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و قوانین داخلی به عنوان یک حق بنیادین شناخته شده است. توهین به ادیان و قومیت‌ها نوعی تعرض به کرامت گروهی و هویت فرهنگی و مذهبی افراد است که می‌تواند به تبعیض و نفرت دامن بزند. دوم، پیشگیری از خطرات اجتماعی؛ چون توهین‌های گروهی می‌تواند باعث افزایش نفرت و تنش‌های میان اقوام و مذاهب مختلف شود که در نهایت امنیت عمومی و همزیستی مسالمت‌آمیز را به مخاطره می‌اندازد (مطهری، ۱۳۹۸). به

این ترتیب، اصل ضرر و نگرانی از آسیب‌های ناشی از توهین‌های قومی و دینی، زمینه‌ساز وضع قوانین خاص برای جرم‌انگاری این رفتارها شده است. این قوانین با هدف ایجاد تعادل میان آزادی بیان و حفظ احترام به هویت‌های دینی و قومی وضع شده‌اند تا از سوءاستفاده‌های احتمالی جلوگیری شود و عدالت اجتماعی برقرار گردد.

۳-۱- تبیین نظریه اصل ضرر به عنوان مبنای جرم‌انگاری

در نظریه‌های کلاسیک جرم‌انگاری، اصل ضرر یکی از مبانی اساسی محدودسازی آزادی‌های فردی و مداخله دولت در رفتارهای اجتماعی محسوب می‌شود. مطابق این اصل، صرفاً در جایی می‌توان آزادی فرد را محدود کرد که رفتار وی منجر به وارد آمدن زبانی واقعی و قابل توجه به دیگری شود. جان استوارت میل، از متفکران برجسته لیبرال، در کتاب مشهور خود درباره آزادی، این اصل را چنین تشریح می‌کند: «تنها دلیلی که حکومت در آن می‌تواند برای محدود کردن آزادی فرد مداخله کند، جلوگیری از ضرر به دیگران است؛ نه به جهت خیر خود فرد» (میل، ۱۳۸۵: ص ۱۹۳). بر این اساس، صرف رفتار نامتعارف یا مخالف با ارزش‌های رایج جامعه، به‌تنهایی مشروعیت مداخله کیفری را فراهم نمی‌سازد، مگر آن که متضمن ضرر واقعی به منافع حیاتی دیگران باشد. تحلیل حقوقی این دیدگاه، گویای آن است که اصل ضرر، عرصه‌ای مشروع برای مداخله قانون‌گذار در ساحت آزادی‌های فردی تعریف می‌کند. چنین مداخله‌ای هنگامی موجه خواهد بود که رفتار شخص، نه فقط متضمن زیان به خود او، بلکه موجب لطمه به دیگران، به ویژه در قالب آسیب به امنیت، سلامت روانی یا نظم عمومی شود. در همین راستا، جوئل فاینبرگ نیز ضمن پذیرش اصل ضرر، اصل مکملی تحت عنوان «اصل آزرده‌گی» پیشنهاد کرده است که ناظر بر واکنش کیفری در قبال رفتارهایی است که منجر به رنجش شدید یا جریحه‌دار شدن احساسات عمومی شود. وی بر این باور است که اگر آزرده‌گی عمومی را شکلی از ضرر معنوی تلقی کنیم، می‌توان آن را در ذیل اصل ضرر، و نه به‌عنوان مبنایی مستقل، توجیه کرد (میل، پیشین: ۱۲۷۱).

۳-۲- گستره مفهومی ضرر و پیامدهای اجتماعی توهین به ادیان

با توسعه مفهومی اصل ضرر از سطح مادی به سطح معنوی، توهین به ادیان و قومیت‌ها نیز در زمره رفتارهای مضر به جامعه قابل تحلیل است. بی‌احترامی به اعتقادات دینی، اگرچه ممکن است آسیب جسمی مستقیمی به دنبال نداشته باشد، اما به دلیل جریحه‌دار کردن احساسات عمیق دینی و قومی شهروندان، مستعد بروز واکنش‌های اجتماعی شدید و گاه خشونت‌آمیز است. چنین کنشی می‌تواند موجب اختلال در نظم عمومی، تنش‌های قومی و مذهبی، و حتی نزاع‌های جمعی شود که نهایتاً به تزلزل بنیادهای همزیستی اجتماعی می‌انجامد. در حقیقت، احترام به باورهای دینی و قومی، نه صرفاً یک امر ارزشی، بلکه مولفه‌ای اساسی در صیانت از امنیت ملی و آرامش عمومی است. بر همین اساس، توهین به مقدسات و ادیان، با ورود به حیطه منافع حیاتی جامعه، از جمله امنیت، انسجام اجتماعی و سلامت روانی جمعی، مشمول اصل ضرر شده و از شمول حمایت‌های آزادی بیان خارج می‌گردد. این نگاه، توجیه‌گر جرم‌انگاری چنین افعالی در بسیاری از نظام‌های حقوقی، اعم از دینی و عرفی است.

۳-۳- جلوه‌های اصل ضرر در نظام حقوقی ایران

در نظام حقوقی ایران، با توجه به ماهیت دینی جامعه و نقش پررنگ آموزه‌های اسلامی در سیاست جنایی، اهانت به مقدسات اسلامی صراحتاً جرم‌انگاری شده است. برای نخستین بار در ماده ۱۳ لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۳۴،

انتشار مطالب «مضر به اساس دین حنیف اسلام» جرم تلقی شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، این رویکرد تقویت گردید و در قوانین مختلفی از جمله قانون مطبوعات ۱۳۶۴ و قانون مجازات اسلامی، جرایم مرتبط با توهین به مقدسات پیشینی شد. قانون‌گذار با تکیه بر اصل ضرر، چنین رفتارهایی را تهدیدی علیه سلامت روانی جامعه و موجب تحریک احساسات عمومی دانسته و مستحق پاسخ کیفری تلقی کرده است. بر این پایه، می‌توان گفت که اصل ضرر، با دربرگرفتن ابعاد مادی و معنوی زیان، بستر مناسبی برای توجیه جرم‌انگاری توهین به ادیان و قومیت‌ها در حقوق داخلی و تطبیقی فراهم می‌سازد. این رویکرد هم‌راستا با حمایت از نظم عمومی و تضمین همزیستی مسالمت‌آمیز در جوامع چندقومیتی و چندمذهبی تلقی می‌شود.

۴- مبانی دینی جرم‌انگاری توهین به ادیان و اقوام

در ادیان توحیدی به ویژه اسلام، احترام به کرامت انسانی، حفظ حرمت افراد و دوری از هرگونه ظلم و ستم، از اصول بنیادین دین محسوب می‌شود. این اصول، مبنای مهمی برای جرم‌انگاری توهین به ادیان و اقوام هستند. چند محور کلیدی در این زمینه عبارت‌اند از:

- ۱) حرمت و کرامت انسانی: در اسلام، کرامت انسان‌ها امری الهی و ذاتی است که هرگونه توهین و تحقیر، نقض این کرامت به شمار می‌رود. قرآن کریم می‌فرماید: «ولقد کرّمنا بنی آدم» (سوره اسراء، آیه ۷۰) این آیه نشان‌دهنده احترام ویژه‌ای است که اسلام برای انسان‌ها و به تبع آن برای باورها و عقاید آنان قائل است.
- ۲) نهی از سب و لعن و تفرقه: آموزه‌های دینی به صراحت از توهین و ناسزاگویی به دیگران منع کرده‌اند، به خصوص به مقدسات و باورهای آنان. پیامبر اسلام (ص) در حدیثی فرموده است: «لا تسبوا أصحابی، فإن السب ناقض للود» (نهج‌الفصاحه، حدیث ۲۰۲۳) یعنی «صحابه مرا دشنام ندهید، زیرا دشنام دهی محبت را از بین می‌برد». این حدیث به اهمیت حفظ احترام میان مسلمانان و سایر اقوام و ادیان اشاره دارد که به شکل گسترده‌تری قابل تعمیم است.
- ۳) حفظ وحدت و جلوگیری از نزاع: توهین به اقوام و ادیان می‌تواند موجب اختلاف، کینه‌توزی و تفرقه شود، که در دین اسلام به شدت مذمت شده است. قرآن کریم می‌فرماید: «إنما المؤمنون إخوة فأصلحوا بین أخیوکم» (سوره حجرات، آیه ۱۰) یعنی مؤمنان برادرند و باید بین برادران اصلاح و صلح ایجاد کرد.
- ۴) ممنوعیت افترا و بهتان: در دین اسلام، افترا زدن به دیگران، از جمله توهین به عقاید و باورهای آنان، نه تنها مذموم است بلکه گناه کبیره محسوب می‌شود (قرآن، سوره نور، آیه ۱۵).
- ۵) تکریم پیامبران و مقدسات دیگر ادیان: قرآن به صراحت دستور داده است که همه پیامبران الهی باید محترم شمرده شوند و میان آنان تفاوت منفی قائل نشد (سوره بقره، آیه ۲۸۵). این احترام نشان‌دهنده وجوب احترام به مقدسات ادیان دیگر نیز هست.

بنابراین، مبانی دینی جرم‌انگاری توهین به ادیان و اقوام بر اساس حفظ کرامت انسانی، جلوگیری از تفرقه و نزاع، احترام به باورها و آموزه‌های دینی و نهی از هرگونه ناسزاگویی و افترا شکل گرفته است. این مبانی به عنوان پشتوانه‌های فقهی و اخلاقی در قوانین کیفری بسیاری از کشورهای اسلامی نیز وارد شده است.

۴-۱- مبناشناسی دینی در جرم‌انگاری کنش‌های توهین‌آمیز

در ادبیات حقوقی، «مبنا» به عنوان بنیاد و منبع الزام‌آور قانون تلقی می‌شود که نظام حقوقی و سیاسی یک جامعه بر اساس آن، مشروعیت خود را سامان می‌بخشد (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۳۹). یکی از مهم‌ترین منابع مشروعیت‌بخش و الزام‌آور در نظام‌های حقوقی دینی، آموزه‌ها و تعالیم ادیان الهی است. در این چارچوب، اعتقادات دینی، شعائر، نمادها، و شخصیت‌های مقدس همواره در معرض هتک حرمت و بی‌احترامی بوده‌اند و ادیان مختلف برای مقابله با این رفتارها، سازوکارهای متفاوتی اتخاذ کرده‌اند. در واقع، جرم‌انگاری توهین به ادیان و اقوام، ریشه‌ای عمیق در آموزه‌های دینی دارد و تحلیل مبانی دینی آن، گامی اساسی در فهم پشتوانه‌های کیفری چنین جرایمی به‌شمار می‌رود.

۴-۲- رویکرد دین اسلام نسبت به توهین و هتک حرمت

اسلام به عنوان آخرین دین آسمانی، با تأکید بر کرامت انسانی و اصول اخلاقی، هرگونه رفتار موهن و هتاکانه را مذموم شمرده است. قرآن کریم به کرات نسبت به استهزاء، سب، و لعن هشدار داده و حتی رفتار توهین‌آمیز نسبت به دشمنان عقیدتی را نیز برتافتاده است. آیات متعددی به تجربه تاریخی پیامبران در مواجهه با تمسخر و توهین اشاره دارد:

«و لقد استهزئ برسلك من قبلك فحاق بالذین سخروا منهم ما كانوا به يستهزئون» (انعام: ۱۰)

«ولا تسبوا الذین یدعون من دون الله فیسبوا الله عدوا بغير علم...» (انعام: ۱۰۸)

در تفسیر این آیات، مفسران اسلامی بر ضرورت پرهیز از گفتار تحریک‌آمیز تأکید کرده‌اند، تا جایی که حتی مقابله به مثل کلامی نیز ممنوع شمرده شده است (طباطبایی، ۱۹۹۷: ج ۶، ص ۶۳). همچنین، در نهج‌البلاغه آمده است که امام علی (ع) یاران خود را از سب و دشنام نسبت به دشمنان بازمی‌دارد و به جای آن، دعا برای هدایت آنان را توصیه می‌کند (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۰۶). از این منظر، خوش‌زبانی و مدارا، نه تنها یک توصیه اخلاقی، بلکه یک تکلیف دینی برای جلوگیری از دامن‌زدن به تنش‌های مذهبی تلقی می‌شود:

«وقل لعبادی یقولوا الی هی أحسن إن الشیطان ینزغ بینهم...» (اسراء: ۵۳)

این آموزه‌ها، پایه‌های اصلی در ممنوعیت دینی توهین به مقدسات و اقوام را تشکیل می‌دهد و از آن به عنوان «حرمت اهانت محترمانه در دین» یا «حرمت الاهانه بالشعائر» یاد شده است (بجنوردی، ۱۴۱۷: ج ۵، ص ۲۹۴).

۴-۳- محدوده مشروع توهین در آموزه‌های خاص اسلامی

در برخی متون روایی و فقهی، تحت شرایط خاص و در مقام دفاع از دین، مواردی از لعن و سب نسبت به بدعت‌گذاران و دشمنان دین توصیه شده است. به عنوان نمونه، در روایتی از پیامبر اسلام (ص) آمده است:

«إذا رأیتم أهل الریب و البدع من بعدی فأظهروا البراءة منهم و أكثروا من سبهم و القول فیهم...» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۶۵)

این روایت که به دستور «مباهته» معروف شده است، تنها در مواجهه با تهدید مستقیم علیه کیان اسلام و در چارچوب خاص دفاع از اصول دین تجویز شده است، نه به عنوان یک رویه عمومی. به همین دلیل، فقهای بزرگی همچون فیض کاشانی، صاحب ریاض، مقدس اردبیلی، و صاحب جواهر، به صراحت مقلدان خود را از دشنام و توهین به مخالفان دینی برحذر داشته‌اند (توکلی و دیگران، ۱۳۹۴: ۵۵). افزون بر آن، در برخی از متون دینی میان «لعن» و «سب» تمایز نهاده شده و لعن به عنوان دعایی در قالب طرد از رحمت الهی و رد عقیدتی مورد بحث قرار گرفته است. این تمایز در برخی منابع

چون صحیح مسلم و آثار تفسیری مانند آثار راغب اصفهانی نیز دیده می‌شود (راغب اصفهانی، بی‌تا: ص ۴۵۱؛ مسلم نیشابوری، ج ۵، باب ۲۵، احادیث ۸۸-۹۷). با این حال، حتی در این موارد نیز تأکید بر رعایت عدالت و حفظ کرامت انسانی در تعامل با دیگران باقی است:

«و لا یجرمنکم شأن قوم علی ألا تعدلوا، اعدلوا هو أقرب للتقوی» (مانده: ۸) این آیه، محور اخلاقی-الهی تعاملات انسانی حتی با دشمنان سرسخت را تعیین می‌کند.

۴-۴- رکن روانی

عنصر روانی، سومین و یکی از مهم‌ترین ارکان تشکیل‌دهنده جرم توهین به ادیان، اقوام و مقدسات است. بر اساس اصول مسلم حقوق کیفری، تحقق هیچ جرمی بدون احراز عنصر معنوی (یا روانی) ممکن نیست. به عبارت دیگر، صرف وقوع فعل مادی توهین، برای تحقق جرم کافی نبوده، بلکه وجود سوء نیت و اراده مجرمانه نیز ضرورت دارد. عنصر روانی در جرم توهین به اقوام و ادیان به دو بخش سوء نیت عام و سوء نیت خاص قابل تقسیم است.

الف) سوء نیت عام: سوء نیت عام در این جرم عبارت است از آگاهی مرتکب به ماهیت توهین‌آمیز رفتار یا گفتار خویش و نیز قصد ارتکاب آن. به بیان دیگر، شخص باید بداند که کلمات یا اعمال او توهین‌آمیز بوده و با این حال، آگاهانه و عامدانه آنها را به کار گیرد. صرف به کارگیری واژه‌ها یا اعمالی که نزد عرف جامعه دارای بار تحقیرآمیز هستند، بدون علم و آگاهی مرتکب، نمی‌تواند موجب تحقق جرم باشد (آقایی‌نیا، ۱۳۹۶: ۱۸۸). بنابراین، رفتار فردی که در حالت ناآگاهی، بی‌اطلاعی از معنای واژگان، یا از روی سهو و خطا مرتکب اهانت می‌شود، خارج از شمول مسئولیت کیفری خواهد بود. البته در مواردی که فرد آگاهانه از الفاظی استفاده می‌کند که بار تحقیر یا توهین دارد، سوء نیت عام مفروض است، حتی اگر او مدعی شود که قصد خاصی نداشته است.

ب) سوء نیت خاص: در کنار سوء نیت عام، جرم توهین به ادیان و اقوام نیازمند سوء نیت خاص نیز هست. این سوء نیت به قصد اهانت و تحقیر مربوط می‌شود. یعنی مرتکب باید هدف و اراده توهین و تحقیر داشته باشد، نه صرفاً بیان نظر یا نقد. تشخیص این قصد ویژه با توجه به قرائن و اوضاع و احوال وقوع جرم، لحن سخن، زمینه بیان، و واکنش مخاطبان صورت می‌گیرد (رهامی، ۱۳۸۷: ۴۲). برای مثال، استفاده از ادبیاتی که از منظر اجتماعی به وضوح خفت‌آور تلقی می‌شود، در کنار سایر قرائن می‌تواند مؤید وجود این سوء نیت خاص باشد.

در نظریه تفسیری مجلس شورای اسلامی در استفساریه سال ۱۳۷۹ نیز بر همین معنا تأکید شده است؛ به گونه‌ای که اهانت، شامل الفاظ یا حرکاتی است که با در نظر گرفتن عرف، زمان، مکان و شخصیت اشخاص، دارای بار تحقیرآمیز باشد. این تأکید بر نیت مجرمانه، مبنای مهمی در تحلیل فقهی و حقوقی جرم توهین به شمار می‌رود (روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۱۰/۲۵).

ج) بررسی وضعیت‌های خاص در فقدان عنصر روانی: در برخی موارد، با آن که عمل مادی به ظاهر توهین‌آمیزی از سوی شخص سر زده است، اما عنصر روانی لازم برای تحقق جرم موجود نیست. برای نمونه در حال مستی، جنون یا اجبار: چنانچه فرد در شرایطی قرار گیرد که اراده و اختیار از وی سلب شده باشد، مثلاً در حالت جنون یا مستی غیرارادی، نمی‌توان عنصر روانی را مفروض دانست و بالتبع مسئولیت کیفری نیز منتفی خواهد بود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۵۲۰). اگر فردی صرفاً به نقل سخنان دیگری بپردازد، بدون آن که خود قصد توهین داشته باشد، مشمول مجازات

نخواهد شد؛ مگر آنکه نقل قول همراه با تأیید ضمنی یا تحریک علیه مقدسات باشد (بهمن پوری و دیگران، ۱۳۹۸: ۶۵). تبصره ماده ۲۶۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز این موارد را لحاظ کرده است. مطابق این ماده، اگر کسی در حال مستی، خشم شدید، یا به نقل قول از دیگران سخنی را به زبان آورد که مصداق سب‌النبی باشد، در صورت نبود سوء نیت، مجازات اعدام اعمال نمی‌شود، بلکه مجازات تعزیری مانند شلاق تا ۷۴ ضربه برای وی در نظر گرفته خواهد شد. در جمع‌بندی می‌توان گفت که جرم توهین به ادیان، اقوام و مقدسات در حقوق کیفری ایران، دارای سه رکن اساسی است:

(۱) رکن قانونی: مبتنی بر مواد مشخصی از قانون مجازات اسلامی، از جمله مواد ۲۶۲ و ۲۶۳ در بخش حدود، و

ماده ۵۱۳ در بخش تعزیرات، و نیز مواد مربوط به قانون مطبوعات.

(۲) رکن مادی: شامل رفتارهایی است که به صورت گفتار یا عمل توهین‌آمیز و تحقیرکننده نسبت به اشخاص یا مفاهیم مقدس دینی بروز می‌یابد.

(۳) رکن روانی: مشکل از سوء نیت عام (آگاهی و قصد ارتکاب) و سوء نیت خاص (قصد توهین و تحقیر) است، که بدون وجود آن‌ها، جرم محقق نمی‌شود.

عدم تحقق هر یک از این سه رکن، به‌ویژه عنصر معنوی، موجب زوال مسئولیت کیفری و عدم تحقق عنوان مجرمانه خواهد شد. بنابراین، در تحلیل و اثبات جرم توهین به ادیان و اقوام، دستگاه قضایی باید دقت کافی در احراز هر سه عنصر قانونی، مادی و روانی را مدنظر قرار دهد.

۵- جرم‌انگاری توهین به قومیت‌ها و ادیان در نظام حقوقی ایران

۵-۱- جرم توهین به قومیت‌ها در حقوق کیفری ایران

در حقوق کیفری ایران، توهین به قومیت‌ها به عنوان یکی از مصادیق نقض کرامت انسانی و ایجاد نفرت و اختلافات قومی قابل تعقیب و مجازات است. این جرم عموماً در قالب قانون مجازات اسلامی و برخی قوانین خاص جرم‌انگاری شده است.

(۱) ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات): بر اساس این ماده، هر کس به یکی از مقدسات اسلامی یا به دین

اسلام توهین کند، به مجازات حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد. گرچه این ماده مستقیماً به قومیت‌ها اشاره ندارد، اما در صورت بروز توهین به اعتقادات و باورهای دینی اقوام مختلف، قابل اعمال است.

(۲) ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی (توهین به مقدسات): توهین به مقدسات دینی یا تحریک به نفرت قومی و نژادی در این ماده جرم محسوب می‌شود و مجازات حبس تا یک سال یا جریمه نقدی در پی دارد.

(۳) ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی (نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی): اگر توهین به قومیت‌ها به صورت تحریک‌آمیز و جهت ایجاد اختلاف و تشویش اذهان عمومی صورت گیرد، بر اساس این ماده، مجازات‌هایی از جمله حبس تعزیری در نظر گرفته می‌شود.

(۴) ماده ۱۲ قانون مطبوعات: این ماده انتشار مطالبی که موجب توهین به اقوام، مذاهب یا اقلیت‌های دینی شود را ممنوع کرده و برای مرتکبین مجازات در نظر گرفته است.

۵) ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی (نشر اکاذیب و افترا): چنانچه توهین به قومیت‌ها با نشر اکاذیب یا افترا همراه باشد، تحت تعقیب قرار می‌گیرد.

این جرم معمولاً در قالب جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی یا جرائم مرتبط با نشر اکاذیب و افترا پیگیری می‌شود و به علت حساسیت موضوع، قضاوت در این جرائم با دقت و توجه ویژه به شرایط اجتماعی و فرهنگی صورت می‌گیرد. جرم‌انگاری توهین به قومیت‌ها در ایران ضمن حفظ آزادی بیان، با هدف جلوگیری از اختلافات قومی و نژادی و حفظ وحدت ملی طراحی شده است. با توجه به قوانین کیفری ایران، توهین به قومیت‌ها جرم محسوب شده و از طریق مجازات‌هایی چون حبس و جریمه نقدی قابل پیگیری است. این موضوع در راستای حفظ کرامت انسانی، امنیت اجتماعی و جلوگیری از بروز اختلافات قومی و نژادی مورد تأکید قانونگذار قرار گرفته است.

۵-۱-۱-۱-۵- بسترهای مفهومی و چالش‌های تقنینی

توهین به قومیت‌ها یکی از جلوه‌های بارز جرائم ناشی از تبعیض نژادی، قومی و فرهنگی است که می‌تواند وحدت ملی، امنیت اجتماعی و همزیستی مسالمت‌آمیز را در هر کشوری، از جمله ایران، با خطر مواجه سازد. در جوامعی با تنوع قومی و زبانی بالا، مانند ایران، جرم‌انگاری رفتارهای هتاکانه علیه قومیت‌ها اهمیت مضاعفی دارد، زیرا عدم واکنش کیفری نسبت به چنین رفتارهایی می‌تواند به گسترش نفرت‌پراکنی و نهایتاً بی‌ثباتی اجتماعی منجر شود. پیش از اصلاحات تقنینی سال ۱۳۹۹، نظام کیفری ایران در زمینه حمایت از قومیت‌ها با خلأهایی مواجه بود. اگرچه قانون اساسی در اصولی همچون اصل ۱۹ و اصل ۱۵ بر برابری اقوام و آزادی در استفاده از زبان مادری تأکید دارد، اما مصادیق توهین به قومیت‌ها به طور مشخص در قوانین کیفری جرم‌انگاری نشده بود و رویه قضایی نیز در نبود نص قانونی شفاف، عملکردی ناهمگون داشت (کوشا و احمدزاده، ۱۳۹۹: ص ۱۳۰).

۵-۱-۲-۱-۵- قانون‌گذاری نوین و ماده ۴۹۹ مکرر

در پاسخ به این خلأ، در بهمن‌ماه سال ۱۳۹۹، «قانون الحاق دو ماده به کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)» به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و در ماده ۴۹۹ مکرر، توهین به قومیت‌های ایرانی، ادیان الهی و مذاهب اسلامی به طور رسمی جرم‌انگاری شد. مطابق این ماده:

«هر کس با قصد ایجاد خشونت یا تنش در جامعه و یا با علم به وقوع آن، به قومیت‌های ایرانی یا ادیان الهی یا مذاهب اسلامی مصرح در قانون اساسی توهین نماید، چنانچه مشمول حد نباشد و منجر به خشونت یا تنش شده باشد به حبس و جزای نقدی درجه پنج یا یکی از آن‌ها محکوم و در غیر این صورت به حبس و جزای نقدی درجه شش یا یکی از آن‌ها محکوم می‌شود».

این ماده در تبصره‌های خود، علاوه بر تعیین مصادیق «توهین» با ارجاع به قوانین گذشته از جمله مواد ۵۱۳، ۵۱۴، ۶۰۸ و ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی و قوانین مطبوعات، شرایط تشدید مجازات را نیز مشخص می‌سازد. به طور خاص، اگر جرم در قالب گروه مجرمانه سازمان‌یافته، توسط کارمندان دولت یا از طریق ابزارهای ارتباط جمعی ارتکاب یابد، مجازات یک درجه تشدید خواهد شد. بدین ترتیب، قانونگذار نه تنها به تعریف کیفی از رفتار مجرمانه اکتفا نکرده، بلکه با در نظر گرفتن بسترهای وقوع جرم، مانند فضای رسانه‌ای یا مقامات عمومی، مسئولیت کیفری مضاعفی را متوجه عاملان کرده است (جنیدی، ۱۳۹۲: ص ۲۶۴).

۵-۱-۳- تحلیل کارکردی و ارزیابی انتقادی

هرچند ماده ۴۹۹ مکرر گامی رو به جلو در تقنین حمایت کیفری از هویت قومی به شمار می‌رود، اما همچنان با چالش‌هایی مواجه است. نخست آنکه مفهوم «توهین» در این ماده و ارجاع به تفاسیر پیشین، می‌تواند موجب تفسیر موسع و گاه سلیقه‌ای از سوی مراجع قضایی شود. دوم آنکه عدم تفکیک دقیق میان انتقاد از عناصر فرهنگی و توهین به قومیت، ممکن است آزادی بیان در حوزه مسائل فرهنگی را محدود سازد. از سوی دیگر، این ماده به‌درستی بر عنصر «قصد ایجاد خشونت یا تنش» تأکید کرده است که به نوعی ضرورت اثبات سوءنیت خاص در این جرم را یادآور می‌شود؛ نکته‌ای که در سیاست جنایی افتراقی قابل تحسین است. با این حال، نبود رویه‌های قضایی کافی درباره اعمال این ماده، مانع ارزیابی جامع‌تر کارایی آن در عمل شده است. در نهایت، ضرورت دارد قانونگذار در آینده با تصویب آیین‌نامه‌های تبیینی یا دستورالعمل‌های قضایی، به تبیین دقیق مصادیق توهین به قومیت‌ها و معیار تشخیص «تنش» اجتماعی بپردازد، تا هم از تضییع حقوق اقلیت‌های قومی جلوگیری شود و هم مانع از اعمال سلیقه‌ای و فراقانونی در اجرای عدالت کیفری گردد (زراعت، ۱۳۸۹: ص ۶۶۸).

۵-۲- تحلیل سیاست کیفری ایران در برخورد با جرم توهین به ادیان و مقدسات

سیاست کیفری در هر نظام حقوقی، بازتاب‌دهنده نگرش‌های فرهنگی، مذهبی و اجتماعی جامعه است و نحوه مواجهه با جرائم مرتبط با ارزش‌های دینی، نمود بارزی از این سیاست‌ها به شمار می‌رود. در نظام حقوقی ایران، که مبتنی بر مبانی فقهی و اصول اسلامی است، جرم توهین به ادیان و مقدسات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و سازوکارهای کیفری متعددی برای مقابله با آن پیش‌بینی شده است. این گفتار به تحلیل سیاست کیفری تقنینی ایران در مواجهه با جرم توهین به ادیان و مقدسات پرداخته و کارایی و نقاط ضعف این سیاست‌ها را بررسی می‌کند.

۵-۲-۱- تطور سیاست کیفری ایران در جرم‌انگاری توهین به مقدسات

از نظر تاریخی، مقررات کیفری ایران در خصوص توهین به مقدسات دینی به صورت پراکنده و ناقص تنظیم شده بود. پیش از انقلاب اسلامی، قوانین مرتبط، مانند قانون مطبوعات ۱۳۳۴ و اصلاحات بعدی، تنها در موارد محدودی همچون توهین به شخص اول روحانیت یا اصول دین اسلام جرم‌انگاری می‌کردند. اما با پیروزی انقلاب و تشکیل نظام جمهوری اسلامی، سیاست کیفری با تأکید بر حفاظت از ارزش‌های اسلامی تقویت شد و مقررات سخت‌گیرانه‌تری در قانون مجازات اسلامی و قوانین مطبوعات به تصویب رسید (کوشا و احمدزاده، ۱۳۸۲). در سال‌های اخیر، به ویژه با تصویب ماده ۴۹۹ مکرر در سال ۱۳۹۹، گستره جرم‌انگاری توهین به ادیان الهی، مذاهب اسلامی و قومیت‌های ایرانی به طور شفاف‌تر و جامع‌تر تعیین شده است. این ماده قانون، علاوه بر تعریف مصادیق توهین، به شدت مجازات‌ها افزوده و ضمانت اجرای حقوقی قوی‌تری پیش‌بینی کرده است که حاکی از سیاست تقنینی جدید در راستای حفظ انسجام و امنیت اجتماعی است.

۵-۲-۲- سازوکارهای پیشگیری و مجازات در سیاست کیفری

سیاست کیفری ایران در حوزه توهین به مقدسات، ترکیبی از مجازات‌های تعزیری و بازدارنده است که هدف آن پیشگیری از ارتکاب جرم و نیز حفظ احترام به باورهای دینی و هویتی اقلیت‌ها و اکثریت است. مجازات‌هایی همچون حبس و جزای نقدی در درجات پنج و شش، علاوه بر تعلیق یا اجرای فوری، به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که به صورت

بازدارنده عمل کنند. تشدید مجازات در مواردی که جرم در قالب گروه سازمان یافته یا توسط ماموران دولتی صورت گیرد، نشان از حساسیت سیاست کیفری به نقش نهادهای رسمی در حفظ نظم دارد (ماده ۴۹۹ مکرر، قانون مجازات اسلامی). از سوی دیگر، در قوانین مطبوعات و فضای مجازی، محدودیت‌ها و مسئولیت‌های مشخصی برای انتشار مطالب توهین آمیز پیش‌بینی شده است که با توجه به توسعه فناوری‌های ارتباطی، نقش مهمی در کنترل رفتارهای مجرمانه ایفا می‌کند. با این حال، وجود برخی ابهامات در تعاریف و مصادیق توهین، ممکن است در مواردی به سوءاستفاده از مقررات منجر شود و با آزادی بیان تعارض پیدا کند.

۵-۲-۳- نقد کارایی سیاست کیفری و چالش‌های موجود

با وجود تلاش‌های قانونی، تحلیل‌های حقوقی و تجربیات قضایی نشان می‌دهد که سیاست کیفری ایران در برخورد با جرم توهین به مقدسات با چالش‌هایی نیز مواجه است. نخست، ابهام در تعیین دقیق مصادیق مقدسات، هم در قانون و هم در رویه قضایی، زمینه تفسیرهای سلیقه‌ای را فراهم کرده است که ممکن است منجر به نقض حقوق فردی و آزادی‌های مشروع شود. همچنین، فقدان آموزش‌های کافی و فرهنگ‌سازی‌های موثر در جامعه موجب شده که برخوردهای کیفری صرفاً به جنبه تنبیهی محدود شود و پیشگیری اجتماعی به اندازه کافی مورد توجه قرار نگیرد (زراعت، ۱۳۸۹). دوم، سیاست کیفری غالباً بر جنبه کیفری و سخت‌گیری تأکید دارد، در حالی که رویکردهای مکمل مانند میانجی‌گری، اصلاح مجرم و ارتقاء فرهنگ احترام متقابل در جامعه کمتر مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. این امر در درازمدت می‌تواند اثرگذاری سیاست کیفری را کاهش دهد و موجب تشدید تنش‌های اجتماعی شود.

۵-۲-۴- تطبیق با سیاست‌های کیفری سایر نظام‌های حقوقی

مقایسه سیاست کیفری ایران با برخی کشورهای اسلامی و غیر اسلامی نشان می‌دهد که در بسیاری از نظام‌ها، حفاظت از مقدسات و ادیان به صورت ترکیبی از مقررات کیفری، مدنی و فرهنگی انجام می‌شود. در نظام‌های سکولار، تأکید بیشتری بر حفظ آزادی بیان و جلوگیری از تبعیض‌های دینی وجود دارد، در حالی که در نظام‌های دینی، جنبه احترام به مقدسات غالب است. ایران با توجه به مبانی فقهی خود، گرایش به تقویت جنبه کیفری دارد اما نیازمند تعادل بیشتر میان حقوق فردی و حفظ نظم اجتماعی است. جرم‌انگاری توهین به قومیت‌ها و اقلیت‌های قومی در بسیاری از نظام‌های حقوقی جهان، به عنوان بخشی از سیاست‌های کیفری برای حفظ نظم عمومی، جلوگیری از تنش‌های اجتماعی و ارتقای حقوق بشر شناخته می‌شود. هر چند جزییات و شدت مجازات‌ها در نظام‌های مختلف متفاوت است، اما اهداف کلیدی در اغلب نظام‌ها مشابه است.

- ۱) حقوق کیفری ایران و حفظ وحدت ملی در ایران: جرم‌انگاری توهین به قومیت‌ها با تأکید بر حفظ وحدت ملی، کرامت انسانی و امنیت اجتماعی صورت گرفته است. قوانین کیفری ایران، به ویژه ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی، به جلوگیری از هر گونه تحریک به نفرت قومی توجه ویژه دارد و در چارچوب تعادل میان آزادی بیان و حفظ احترام گروه‌های قومی وضع شده است.
- ۲) حقوق کیفری انگلستان و کشورهای غربی: در انگلستان، قوانین ضد نفرت (hate crime laws) بخش مهمی از سیاست‌های کیفری هستند که توهین و تحریک به نفرت علیه اقلیت‌های قومی، مذهبی و نژادی را جرم‌انگاری می‌کنند. قانون جرم و عدالت کیفری ۲۰۰۳ (Crime and Disorder Act 2003) از جمله

مهم‌ترین قوانین این حوزه است که مجازات‌های سنگینی برای جرائم نفرت‌پراکنی تعیین کرده است. هدف اصلی این قوانین حفاظت از کرامت انسانی و حفظ همبستگی اجتماعی است. (Home Office, 2020)

۳) حقوق کیفری اتحادیه اروپا: اتحادیه اروپا نیز از طریق دستورالعمل‌هایی مانند Directive 2017/541 به کشورهای عضو الزام کرده است که جرم‌انگاری جرائم مبتنی بر نفرت قومی، مذهبی و نژادی را در قوانین داخلی خود تضمین کنند. این سیاست‌ها بر پیشگیری از تفرقه و افزایش همزیستی مسالمت‌آمیز تأکید دارند (European Union Agency for Fundamental Rights, 2018).

۴) حقوق کیفری ایالات متحده: در ایالات متحده، جرم‌انگاری توهین‌های مبتنی بر نفرت قومی تحت قوانین فدرال مانند Hate Crimes Prevention Act صورت می‌گیرد که علاوه بر مجازات‌های کیفری، سیاست‌های آموزشی و فرهنگی برای مقابله با نفرت‌پراکنی را نیز در بر می‌گیرد (Federal Bureau of Investigation, 2019).

اگرچه نظام‌های حقوقی مختلف در جزئیات جرم‌انگاری توهین به قومیت‌ها تفاوت‌هایی دارند، اما همگی به دنبال حفظ کرامت انسانی، جلوگیری از نفرت‌پراکنی و تأمین امنیت اجتماعی هستند. سیاست کیفری ایران در این زمینه با تأکید بر حفظ وحدت ملی و جلوگیری از تنش‌های قومی، با سیاست‌های کیفری کشورهای غربی و اتحادیه اروپا در راستای اهداف کلان حقوق بشر و همزیستی مسالمت‌آمیز تطابق نسبی دارد.

۵-۳-چالش‌های جرم‌انگاری اهانت به قومیت‌ها و ادیان

جرم‌انگاری و جرم‌زدایی هر دو ابزارهای مهم سیاست جنایی به شمار می‌آیند که به منظور تنظیم میزان مداخله حقوق کیفری در جامعه به کار گرفته می‌شوند. اصول جرم‌انگاری عموماً بر کاهش دخالت کیفری تأکید دارند و صرفاً مداخلاتی را مجاز می‌شمارند که منافع و مصالح مهم، قابل سنجش و توجیه‌پذیر باشند. اما در برخی موارد، مطالعات و ارزیابی‌ها ضرورت مداخله کیفری را به منظور تحقق اهداف کلان ملی یا بین‌المللی اثبات می‌کنند، از جمله در جرایمی مانند قاچاق انسان، جرایم سازمان‌یافته فراملی و غیره. در این چارچوب، توجیه جرم‌انگاری اهانت به مقدسات برای پیشگیری از نفرت و افراط‌گرایی نیز مطرح شده است؛ لیکن این رهیافت با چالش‌های قابل توجهی همراه است که در ادامه مهم‌ترین آنها بررسی می‌گردد.

۵-۳-۱-فروکاست حمایت کیفری

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، حمایت کیفری یک‌جانبه از عقیده یا دین غالب است که با اصول عدالت و برابری در جرم‌انگاری ناسازگار است. در برخی نظام‌های حقوقی مانند انگلستان، حمایت صرفاً از مقدسات دین غالب (مسیحیت) صورت می‌گیرد؛ مثلاً قانون مجازات ۱۹۶۷ انگلستان تنها اهانت به مقدسات مسیحیت را جرم می‌داند. لرد «مکنلی» در نقد این رویکرد بیان داشته است که در جامعه چنددینی معاصر، باید حمایت از احساسات مذهبی همه ادیان به طور مساوی مدنظر قرار گیرد. این محدودیت‌ها موجب اعتراض مسلمانان و فعالان حقوق بشر در ماجرای انتشار کتاب «آیات شیطانی» توسط سلمان رشدی شد، چرا که قانون محدودیت رسیدگی به اهانت به ادیان غیرمسیحی را ایجاد کرده بود. برخی نظام‌های حقوقی به منظور جبران این ضعف، به جای جرم‌انگاری مستقیم اهانت به مقدسات، جرائمی تحت عنوان «جرائم مبتنی بر نفرت» را پیش‌بینی کرده‌اند که بر رفتارهای نفرت‌افکن علیه اقلیت‌های قومی و مذهبی تمرکز دارد. برای

مثال، قانون جرائم مبتنی بر تنفر نژادی و مذهبی انگلستان مصوب ۲۰۰۶ تا ۷ سال حبس را برای برانگیختن نفرت مذهبی و نژادی در نظر گرفته است. در حقوق آلمان نیز ماده ۱۶۶ قانون مجازات، اهانت به عقیده، مذهب یا سازمان‌های فلسفی را جرم می‌داند و امکان تعقیب برای رفتارهای تحریک‌آمیز و نظم شکننده را فراهم آورده است.

در حقوق ایران با وجود اصول قانون اساسی (۱۲، ۱۳، ۱۴ و ۲۳) که به حقوق اقلیت‌های مذهبی اشاره کرده و لزوم مدارا را تاکید می‌کند، حمایت کیفری از مقدسات بیشتر به ادیان رسمی و غالب محدود شده است. ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ تمرکز خود را بر مقدسات مذهب رسمی قرار داده که با اصل برابری و مصلحت کلی تناسب ندارد. البته چنین رویکردی تا حدی قابل فهم است، زیرا حوزه فرهنگ و مذهب تحت تاثیر ایدئولوژی سیاسی نظام مستقر قرار دارد و مداخله کیفری در این حوزه حساس تر است. با این حال، ضرورت توجه به امنیت ملی و مصلحت جرم‌انگاری در این زمینه احساس می‌شود.

۵-۳-۲-تحدید آزادی بیان

یکی از چالش‌های جدی دیگر، تضاد میان جرم‌انگاری توهین به مقدسات و آزادی بیان است. ممکن است برخی این جرم‌انگاری را محدودیتی غیرمشروع برای آزادی قلم و بیان بدانند. پاسخ به این نگرانی از چند جهت قابل طرح است: اولاً، جرم توهین به مقدسات موضوع جدیدی نیست و سابقه تاریخی و مذهبی گسترده‌ای دارد. با توجه به جهانی شدن فناوری‌های ارتباطی، اثرات مخرب اهانت به مقدسات گسترده‌تر و فرامرزی شده است و لذا پاسخ‌های کیفری باید متناسب و متوازن باشد. این جرم‌انگاری در راستای حمایت از آزادی عقیده و پیشگیری از خشونت و افراط‌گرایی قابل توجیه است.

ثانیاً، آزادی بیان مطلق نیست و محدودیت‌هایی دارد؛ به نحوی که دولت‌ها می‌توانند در مواردی که بیان موجب تهدید ارزش‌های بنیادین آزادی شود، مداخله کنند. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ماده ۱۹) پس از اذعان به آزادی بیان، محدودیت‌هایی را نیز برای حفاظت از حقوق دیگران، حیثیت، اخلاق، سلامت و امنیت ملی قائل شده است. از این رو، در صورتی که بیان یا انتشار مطالبی موجب رنجش باورمندان مذهبی شود و آثار منفی اجتماعی داشته باشد، مداخله قانونی و جرم‌انگاری آن موجه خواهد بود.

۵-۳-۳-نقدگریزی

چالش مهم دیگر، احتمال ایجاد فضای نقدگریزی در اثر جرم‌انگاری اهانت به مقدسات است. در یک نظام مردم‌سالار، تمامی ایدئولوژی‌ها باید قابلیت تحمل نقد و بحث را داشته باشند. دین نیز باید در معرض گفت‌وگو و نقد قرار گیرد تا حقانیت یا ضعف‌های آن روشن شود. همچنین، بیان نقد در قالب‌های متنوع و حتی طنز و کاریکاتور، جزئی از آزادی بیان محسوب می‌شود. نقد منصفانه و احترام‌آمیز باید از اهانت و تحقیر متمایز شود. نبود این تمایز منجر به خشونت‌های افراطی می‌شود. به نظر می‌رسد راهکار برقراری تعادل میان آزادی نقد و جلوگیری از اهانت، مرزبندی شفاف و رعایت احترام متقابل است. در این راستا، هم دینداران و هم غیر دینداران باید به حق آزادی انتقاد و بیان احترام بگذارند تا تعامل سالم و صلح‌آمیز میان دیدگاه‌ها برقرار شود. در نتیجه، اگرچه مصلحت عمومی ممکن است محدودیت‌هایی برای آزادی‌های فردی از جمله آزادی بیان ایجاد کند، اما این محدودیت‌ها باید در جهت حفظ کرامت انسانی، جلوگیری از ترویج نفرت و حفظ ثبات اجتماعی اعمال شود. از این منظر، حمایت قانونی از مقدسات و پیروان ادیان با هدف

جلوگیری از توهین‌های آزاردهنده، نه تنها با حقوق بشر مغایرت ندارد بلکه زمینه‌ساز تحقق حقوق و آزادی‌های واقعی افراد است.

نتیجه‌گیری

احترام به باورهای دینی از اصول بنیادین یک جامعه متمدن است که لازمه آن، تحمل و پرهیز از توهین و تخریب است. توهین به مقدسات دینی، ریشه در تعالیم دینی دارد و می‌تواند مبنای محکمی برای جرم‌انگاری در نظام حقوقی قرار گیرد. اصولی مانند مصلحت عمومی و اصل ضرر، مبنای قانونی و اخلاقی جرم‌انگاری این رفتارها هستند، اما رویکردهای سنتی جرم‌انگاری که صرفاً محدود به قلمرو جغرافیایی یا دین غالب جامعه‌اند، پاسخگوی تمام جنبه‌های این موضوع نیستند. در فقه شیعه، جرم «سب النبی» به عنوان نمونه‌ای از توهین به مقدسات قابل ردیابی است و مجازات‌های شدیدی برای آن در نظر گرفته شده است. نظام حقوقی ایران نیز با وجود برخی نقاط ضعف در تعریف، جرم‌انگاری اهانت به مقدسات اسلامی را در قوانین مختلف به رسمیت شناخته و در سال‌های اخیر نیز حوزه جرم‌انگاری خود را به توهین به ادیان دیگر، مذاهب اسلامی و قومیت‌ها گسترش داده است. این گسترش قانونی نشان‌دهنده درک ضرورت حفظ حرمت همه اقلیت‌های دینی و قومی در جامعه است. با این حال، به دلیل تفاوت‌های فرهنگی و برداشت‌های مختلف از مفهوم «توهین»، وجود تعاریف دقیق و واحد همچنان چالشی مهم است.

با توجه به بررسی‌های انجام شده، می‌توان گفت که جرم‌انگاری توهین به مقدسات دینی نه تنها یک الزام شرعی و اخلاقی است، بلکه برای حفظ امنیت روانی و اجتماعی جامعه نیز ضرورت دارد. حرمت مقدسات دینی از نظر بسیاری از پیروان ادیان، بخش مهمی از هویت و هنجارهای فرهنگی آن‌هاست و هرگونه اهانت به این مقدسات می‌تواند منجر به واکنش‌های شدید اجتماعی و بروز تنش‌های میان گروه‌های مختلف شود. بنابراین، جرم‌انگاری این رفتارها در راستای حفظ نظم عمومی و حمایت از حقوق اقلیت‌ها و اکثریت‌ها قابل توجیه است. در عین حال، اهمیت توجه به حقوق آزادی بیان و تفکیک میان نقد منطقی و توهین آمیز، از چالش‌های اصلی این موضوع به شمار می‌رود. قانون‌گذاران و مراجع قضایی باید در طراحی و اجرای قوانین مربوطه، ضمن رعایت حرمت مقدسات، به گونه‌ای عمل کنند که محدودیت‌های قانونی بهانه‌ای برای سرکوب آزادی‌های مشروع و مباحث انتقادی نشود. به عبارتی، تعادل میان حفظ احترام به باورهای دینی و تضمین آزادی بیان، نقطه تعادل ظریف و پیچیده‌ای است که نیازمند تدبیر دقیق و حساسیت فرهنگی است.

از سوی دیگر، با توجه به جهانی شدن ارتباطات و رشد فضای مجازی، توهین به مقدسات تنها محدود به قلمرو جغرافیایی کشورها نمی‌ماند و می‌تواند به صورت گسترده‌تر و با تأثیرگذاری بیشتر در جوامع مختلف رخ دهد. این امر ضرورت تدوین سیاست‌ها و راهکارهای بین‌المللی و همکاری‌های فراملی برای مقابله با اینگونه رفتارها را بیش از پیش آشکار می‌سازد. در چنین شرایطی، تأکید بر آموزش‌های همزیستی مسالمت‌آمیز و افزایش آگاهی عمومی نسبت به تنوع دینی و فرهنگی، از مهم‌ترین راهبردهای پیشگیری خواهد بود. در نهایت، باید به این نکته توجه داشت که قوانین و مجازات‌ها صرفاً ابزارهای کنترلی نیستند، بلکه بازتاب ارزش‌ها و فرهنگ یک جامعه نیز محسوب می‌شوند. بنابراین، ارتقای فرهنگ احترام و تحمل در میان اقشار مختلف جامعه، همراه با به‌روزرسانی مستمر قوانین و سازوکارهای قضایی، می‌تواند به کاهش وقوع جرائم مرتبط با توهین به مقدسات کمک کند و فضایی امن‌تر و محترم‌تر برای تمامی شهروندان

فراهم آورد. این مهم مستلزم همکاری همه نهادهای فرهنگی، آموزشی، قضایی و رسانه‌ای است تا فرهنگ احترام متقابل به صورت ریشه‌ای و پایدار در جامعه نهادینه شود.

پیشنهاد‌های پژوهش

۱. تقویت آموزش‌های دینی و حقوقی: آموزش عمومی و تخصصی در زمینه احترام به باورهای دینی و حقوق شهروندی، به ویژه در مدارس، دانشگاه‌ها و رسانه‌ها، می‌تواند فرهنگ احترام و تفاهم را تقویت کند.
۲. ارتقای آگاهی حقوقی جامعه: آگاه‌سازی مردم نسبت به مصادیق توهین، پیامدهای حقوقی آن و اهمیت حفظ حرمت مقدسات، می‌تواند در پیشگیری از این جرائم موثر باشد.
۳. ایجاد تعاریف شفاف و دقیق در قوانین: اصلاح و تکمیل متون قانونی با تعریف‌های روشن و واحد درباره توهین به مقدسات، ادیان و قومیت‌ها، به کاهش ابهامات و اختلاف‌نظرهای قضایی کمک خواهد کرد.
۴. گسترش امکان پیگیری قضایی در فضای مجازی: با توجه به رشد استفاده از فضای مجازی، تقویت سازوکارهای قانونی و فنی برای مقابله با توهین‌های اینترنتی و رسانه‌ای ضروری است.
۵. ترویج گفت‌وگوهای میان‌فرهنگی و مذهبی: برگزاری نشست‌ها و برنامه‌هایی که موجب تفاهم و همزیستی مسالمت‌آمیز اقلیت‌ها و اکثریت شود، می‌تواند از تنش‌های اجتماعی جلوگیری کند.
۶. پشتیبانی از سازوکارهای قضایی مستقل و منصف: به منظور رسیدگی عادلانه به پرونده‌های مرتبط با توهین به مقدسات و حفظ حقوق همه شهروندان، باید استقلال و صلاحیت دستگاه قضایی تضمین شود.
- در نهایت، جرم‌انگاری به تنهایی کافی نیست و فرهنگ‌سازی، آموزش و ایجاد بسترهای مناسب برای احترام متقابل، کلید اصلی کاهش جرائم مرتبط با توهین به مقدسات دینی، ادیان، مذاهب و قومیت‌هاست.

منابع و مآخذ

- ۱) احمدی، حمید. (۱۳۹۷). قومیت و قوم‌گرایی در ایران، افسانه یا واقعیت، تهران: نشر نی.
- ۲) آقایی‌نیا، حبیب‌الله. (۱۳۹۶). حقوق جزای عمومی (جلد دوم). تهران: نشر سمت.
- ۳) بجنوردی، سید محمدحسن. (۱۴۱۷ق). القواعد الفقهیة (جلد ۵). قم: دارالفقاهه.
- ۴) بهمن‌پوری، علی، حقانی‌خواه، علی‌اکبر و علیشاهی قلعه‌جوقی، محمد. (۱۳۹۸). تحلیل تطبیقی جرم‌انگاری اهانت به مقدسات در فقه امامیه و نظام حقوقی ایران. فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۴(۳).
- ۵) تجلیل تبریزی، محمدرضا. (۱۳۸۵). حدود و تعزیرات در فقه امامیه. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- ۶) توکلی، محمد، کاظمی، محمدجواد، و مرادی، جواد. (۱۳۹۴). تحلیل جامعه‌شناختی اهانت به مقدسات در بستر تحولات معاصر. مجله سیاست‌پژوهی دینی، ۵(۲)، ۶۷-۴۷.
- ۷) توکلی، محمدرضا، فاضلی، مهدی، و خسروی، محمد. (۱۳۹۴). بررسی فقهی-اخلاقی توهین به مقدسات مذاهب اسلامی. پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ۱۱(۲۰)، ۴۳-۶۰.
- ۸) جنیدی، لعیا. (۱۳۹۲). جنبه‌های کیفری آزادی بیان با تاکید بر جرائم مطبوعاتی در مجموعه مقالات آزادی اندیشه و بیان، زیر نظر دکتر ناصر کاتوزیان، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- ۹) راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (بی‌تا). المفردات فی غریب القرآن. قم: دفتر نشر کتاب اسلامی.

- ۱۰) روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۷۹). استفساریه نسبت به کلمات اهانت، توهین و هتک حرمت، شماره ۱۶۲۸۱، مورخ ۱۳۷۹/۱۰/۲۵.
- ۱۱) رهامی، محسن. (۱۳۸۷). بررسی تطبیقی جرم توهین به مقدسات در فقه و حقوق کیفری ایران. تهران: نشر میزان.
- ۱۲) زراعت، عباس. (۱۳۸۹). قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، تهران: انتشارات ققنوس.
- ۱۳) شریف رضی، محمد بن حسین. (بی تا). نهج البلاغه، خطبه ۲۰۶. قم: دارالکتب الإسلامیه.
- ۱۴) شیخ انصاری، مرتضی. (۱۴۱۵ق). مکاسب (جلد اول). قم: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۵) صادقی، محمد. (۱۳۹۵). مبانی حقوق کیفری عمومی. تهران: نشر عدالت.
- ۱۶) الطائی، علی، (۱۳۸۷). بحران‌های هویت قومی در ایران، تهران: نشر شادگان، ۱۳۸۷.
- ۱۷) طباطبایی، محمدجواد. (۱۳۹۴). بنیادهای نظری شریعت در فقه شیعه. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۱۸) طباطبایی، محمدحسین. (۱۹۹۷). المیزان فی تفسیر القرآن (ترجمه فارسی سید محمدباقر موسوی همدانی، جلد ۶). قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۱۹) علامه حلی (ابن یوسف، جمال‌الدین حسن بن یوسف بن مطهر). (۱۳۸۵). تحریر الأحكام الشرعیة علی مذهب الإمامیة (تحقیق: قاسم شبیر). قم: مؤسسه سید الشهداء (ع).
- ۲۰) کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۲). فلسفه حقوق، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۲۱) کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). الکافی (ج ۲). تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- ۲۲) کوشا، جعفر؛ احمدزاده، ابوالفضل. (۱۳۹۴). توهین به مقدسات دینی به مثابه جرمی علیه امنیت ملی؛ فصلنامه افق امنیت، سال هشتم، شماره ۲۷.
- ۲۳) لاری، عبدالکریم. (۱۴۱۸ق). شرح کفایة الاصول (جلد اول). قم: موسسه النشر الاسلامی.
- ۲۴) مسلم نیشابوری، مسلم بن حجاج. (بی تا). صحیح مسلم (ج ۵، باب ۲۵، احادیث ۸۸-۹۷). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۲۵) مطهری، علی. (۱۳۹۸). حقوق بشر و جرم‌انگاری توهین به مقدسات. تهران: دانشگاه تهران.
- ۲۶) مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۶۳). انوار الفقاهه؛ قم: مدرسه امیرالمؤمنین (ع)، ۱۳۶۳.
- ۲۷) منصورآبادی، محمدرضا. (۱۳۹۴). حقوق جزای عمومی (جلد اول). تهران: انتشارات خرسندی.
- ۲۸) میرمحمدصادقی، حسین. (۱۳۹۲). جرایم علیه اشخاص. تهران: نشر میزان.
- ۲۹) میل، جان استوارت. (۱۳۸۵). رساله درباره آزادی؛ ترجمه جواد شیخ الاسلامی، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۳۰) ناظریان، غلامرضا، رهامی، محسن و مرادی، حمیدرضا. (۱۳۹۹). تحلیل تطبیقی مفاهیم سب، شتم و قذف در فقه امامیه و قانون مجازات اسلامی. فصلنامه حقوق کیفری تطبیقی، ۱۱(۲)، ۱۶۰-۱۷۵.

۳۱) نجفی، محمدحسن. (۱۴۱۸ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام (جلد ۴۱). بیروت: دار إحياء التراث العربی.

- 32) Ahmed, S. (2018). Representation of minorities in television dramas: A critical analysis. *Journal of Media Studies*, 12(3), 45-59.
- 33) Armstrong, K. (2006). *The Great Transformation: The Beginning of Our Religious Traditions*. Knopf.
- 34) BBC News. (2012, September 12). US officials confirm death of ambassador to Libya. BBC. <https://www.bbc.com/news/world-africa-19570254>
- 35) Brown, T. (2022). The power and peril of satire: Caricature and freedom of expression. *Journal of Social Criticism*, 19(1), 33-48.
- 36) CBS News. (2005, November 3). Slaughter and Submission. <https://www.cbsnews.com/news/slaughter-and-submission-11-03-2005/>
- 37) Esposito, J. L. (2011). *Islam: The Straight Path* (4th ed.). Oxford University Press.
- 38) European Union Agency for Fundamental Rights. (2018). Hate crime recording and data collection practice across the EU. <https://fra.europa.eu/en/publication/2018/hate-crime-recording-data-collection-practice>
- 39) Federal Bureau of Investigation. (2019). Hate Crime Statistics. <https://ucr.fbi.gov/hate-crime>
- 40) Freeman, C. (2016). Jerusalem: Sacred city to three faiths. *Religious Studies Review*, 42(1), 11-25.
- 41) Home Office. (2020). Hate Crime, England and Wales, 2019/20. UK Government. <https://www.gov.uk/government/statistics/hate-crime-england-and-wales-2019-to-2020>
- 42) Human Rights Watch. (2017). Freedom of expression and religion in the UK. Retrieved June 3, 2025, from <https://www.hrw.org/news/2017/09/19/uk-freedom-expression-and-religion>
- 43) Jones, M. (2020). Religious satire in contemporary theatre: Boundaries and controversies. *International Journal of Cultural Studies*, 23(4), 512-528.
- 44) Khan, R. (2021). Music, identity, and religious sensitivity: A delicate balance. *Ethnomusicology Review*, 26, 78-95.
- 45) Nasr, S. H. (2003). *Islamic Science: An Illustrated Study*. World Wisdom.
- 46) Smith, H. (2004). *The World's Religions* (2nd ed.). HarperOne.
- 47) Smith, L., & Lee, J. (2019). Visual arts and religious symbolism: Respect and transgression. *Art and Religion Journal*, 15(2), 110-127.
- 48) UK Parliament. (1697). Blasphemy Act 1697. Retrieved June 3, 2025, from <https://www.legislation.gov.uk/aep/Will3/8-9/3>
- 49) Wikipedia contributors. (2024). Jyllands-Posten Muhammad cartoons controversy. Wikipedia. https://en.wikipedia.org/wiki/Jyllands-Posten_Muhammad_cartoons_controversy

An Analysis of Insults to Religions and Ethnicities in Iranian Criminal Law and Imami Jurisprudence

**Seyyed Abbas Jazayeri
Masoumeh Afshari**

Abstract

Iranian society has long been composed of various ethnicities, sects, and religions that have coexisted peacefully with each other throughout history. This cultural and religious diversity has also been recognized in the principles of the Constitution of the Islamic Republic of Iran, and specific rights and legal status have been foreseen for all segments of society, without discrimination. In this study, the issue of insults to ethnicities and religions in the Iranian criminal law system and in Imami jurisprudence has been examined. The findings of the study show that in Imami jurisprudence, the rule of “the sanctity of insulting the venerable” is recognized as the basis for the sanctity of insulting sacred places and religious manifestations and is considered an example of venerating divine rituals. In Iranian criminal law, insulting ethnic groups and religions, especially if it leads to violence, division, or public unrest, is considered a criminal offense and is punishable by imprisonment and fines. According to Article 499 of the Islamic Penal Code, any insult to divine religions, Islamic religions specified in the Constitution, and Iranian ethnic groups, whether in real or virtual space, if it is committed with the intention of causing violence or tension or with knowledge of its occurrence, will be subject to fifth or sixth degree punishment. This crime is public and does not require a private complaint, and the prosecutor can directly initiate legal proceedings. The approach of this research is descriptive-analytical and the materials were collected in a library manner.

Keywords

Insult and insult, ethnic groups and religions, sacred objects, criminal law, Imami jurisprudence.
